



نگاهی به تأکید مجدد و قاطع رهبر معظم انقلاب بر لزوم انتقام از جنایتکاران

انتقام؛ مأموریت الهی



سرمقاله

مسئولان نیست، ما باشیم یا نباشیم، این مطلب محقق خواهد شد و به زودی آحادی از آزادگان در سراسر دنیا، هر یک بخشی از این مأموریت الهی را انجام خواهند داد.»
مادر سینه خود، خشم و کینه از این جنایتکاران را همچون آتشی مقدس روشن نگه داشته و یاسابانی خواهیم کرد؛ آتشی که در این روزگار ظلمانی، راه را به ما نشان خواهد داد تا بتوانیم («مأموریت الهی») خود را در پاک کردن زمین از لوث خون خواران اُپستینی به انجام برسانیم.
به قول حکیم طوس:
چنین کار بکسر مدارید خرد
چنین کینه را خرد نتوان شمرد
زدل ها همه ترس بیرون کنید
زمین را خون رود جیخون کنید

ضرورت آن تشکیک کند، عبور از چراغ سرخ انتقام، چراغ سبزی به دشمن برای جنایات بیشتر و مهیب تر است؛ همان دشمنی که ماهیت خود را در حمله به مدرسه میناب و کشتار کودکان و جنایت بی سابقه لا مرد نشان داده است.
و اینجا است که رهبر معظم انقلاب اسلامی، در پیام اخیر خود، خطاب به پیشوای شهیدمان، این چنین محکم و قاطعانه می فرمایند: «همد می بندیم که انتقام خون پاک شما و همه ی شهیدان این دو جنگ را از قاتلین جنایتکار و بی آبرو بگیریم، این انتقام، خواست ملت ما است و به طور حتمی باید صورت بگیرد. این جنایتکاران که فهرستی از صدر تا ذیل شان موجود است، آرزوی مرگی آرام و در بستر را با خود به گور خواهند برد. آن ها باید بدانند که این امر، متوقف بر وجود شخص من یا سایر

فصل مشترک شعارها و مرثی تبدیل کرده است. این انتقام و خون خواهی، قربادی از سر احساسات صرف نیست؛ عین عقلانیت است. چرا که انتقام، برنامه ای عمیق و همه جانبه برای مقابله با دشمن و عقب راندن و بر جای خود نشاندن او است. اگر حرارت انتقام، به مثابه موتور محرکه حرکت و به پیش رفتن، کاهش یابد و مابه سرغ دشمن نرویم، او به سرغ ما خواهد آمد و تجربه، به خصوص در دو جنگ اخیر، ثابت کرده است که با دشمنی روبه رو هستیم که هیچ و مطلقاً هیچ چیز را مانع خود نمی بیند و نمی داند؛ نه قوانین نوشته و نانوشته بین المللی و نه اخلاق و انسانیت.
در چنین معادله ای، انتقام عملی واکنشی و منفعلانه نیست، بلکه کنشی برای اجرای عدالت و بازگرداندن تعادل است و هیچ عقل سلیمی نمی تواند در

آنچه طی یک هفته در بدرقه و تشییع رهبر شهید انقلاب، از مصلای تهران آغاز و به مشهد مقدس ختم شد، فارغ از جلوه باشکوه کمی آن، واجد بارها و معانی ماهیتی عمیق و قابل تأملی نیز بود. امواج خروشان انسانی که در عزای مردی بزرگ و قانندی بی بدیل، سیاه پوش بودند و پرچم هایی سرخ رنگ در دست و بر دوش داشتند، چنان بود که اگر از فاصله ای بسیار دور و با قابی باز به آنان نگاه می کردی، گویی دریایی است که شعله ور شده است.
و آن، آتشی بود آمیخته از داغ دل برای فراق شهید امت و خشم و کینه نسبت به قاتلان او؛ کسانی که در جنایت، مرزهای جدیدی را درنوردیدند و خونی را بر زمین ریختند که در تاریخ معاصر، و حتی چند صد ساله اخیر، بی سابقه بود. این خون، خون ها را به جوش آورده و فریاد خون خواهی و انتقام را به

روایت بدرقه آقای شهید ایران

هدیه

برایم، او تنها یک رهبر سیاسی نبود؛ پناهی بود که گویی رنج مردم افغانستان را با تمام وجود درک می کرد. خبر رفتنش برایم صرفاً خبر درگذشت یک شخصیت نبود؛ انگار تکیه گاهی را از دست داده باشم. دلم می خواست با ذره ذره وجودم، قصه پروازش را بر دفتر روزگار بنگارم. از این رو به گروه «جانی ایران» پیوستم تا از هجران مشترک («پدر امت شیعه») سخن بگویم.
گروه را باز کردم. زیر عکسی نوشته بود: «جای شما خالی، حرم امام رضا (ع)».

دلم فروریخت و تصویر حرم در کاسه چشمانم غرق شد. با خود گفتم چه می شود اگر مرا هم دعوت کنی؟
پیام های گروه را که چک کردم، چشمانم از دیدن فراخوان برای روایت گری در مراسم تشییع رهبر شهید، برق زد. یکی می گفت: «نوشتن ده روایت در روز بسیار سنگین است»
دیگری از هزینه های می رسید اما من گفتم حاضرم بیایم، هر چند گرما، شلوغی و مسئولیت، برایم دشوار بود.
بچه ها همه سراپا آماده ی حضور بودند و تنها دغدغه مان هزینه بود. آن دوروز، مثل آهوی گم گشته، آرام و قرار نداشتم. هر لحظه منتظر جواب بودم و مدام گروه را چک می کردم. حال که رویه روی ایوان طلا ایستاده ام و با چشمانی بارانی به گنبد آقا می نگرم، تازه می فهمم که چه هدیه ای زیباتر از زیارت، برای دختری از جانب پدرش وجود دارد.

مریم محمدپور

آخرین خبر

مگر می شود ما با آمریکای جنایتکار صلح کنیم؟

حجت الاسلام سیدعلی خمینی نوهی امام خمینی (ره) در مراسم بزرگداشت امام مجاهد شهید و شهدای خانواده ایشان در قم، با تأکید بر تداوم رویکرد ضد استکباری جمهوری اسلامی، برخی تحلیل ها درباره تحولات سیاسی آمریکا را بی اهمیت دانست و گفت: «برخی می گویند جنگ را ادامه دهیم برای اینکه ترامپ نابود شود، چون سه ماه دیگر انتخابات آمریکا است و ممکن است جمهوری خواهان شکست بخورند.»
وی بارد تأثیر جابه جایی دولت ها در آمریکا بر سیاست های جمهوری اسلامی افزود: «اینکه ما بنشینیم اینجا که یک سگ زرد برود و یک شغال بیاید، به درک؛ هر کدام می خواهد بیاید و هر کدام می خواهد برود. برای ما، آمریکایی ها فرقی نمی کنند. ما هم به این ها می گوئیم مرگ و هم به آنها می گوئیم مرگ.»
نوه امام خمینی (ره) با تفکیک مفهوم مذاکره از صلح تصریح کرد: «اگر جمهوری اسلامی صحبت از مذاکره دارد، بارها گفته ام که مذاکره، مذاکره صلح نیست.» وی در ادامه با اشاره به قیام عاشورا اظهار داشت: «مگر می شود که امام حسین (ع) با یزید لعنت الله علیه صلح کند؟ مگر می شود ما با آمریکای جنایتکار صلح کنیم؟ اصلاً هویت ما سازش ناپذیری با استکبار است. مگر ما می توانیم کوتاه بیایم؟»
وی همچنین تأکید کرد: «اگر سخن از مذاکره است، مذاکره یعنی جنگ. جنگ صورت های مختلفی دارد. مگر من و شما که در خیابان ها می آمدیم، نمی گفتیم در جنگ هستیم. یک کسی ممکن است بگوید شما در حال جنگ نیستید، نخیر ما در حال جنگ هستیم.»
سیدعلی خمینی در پایان با بیان اینکه «هر کس بخواهد مذاکره کند برای این که با آمریکا به صلح برسد، این خائن است»، بر ضرورت حفظ رویکرد انقلابی و ایستادگی در برابر آمریکا تأکید کرد.

اعتراف

خشم واشنگتن از تشییع میلیونی در عراق

برگزاری میلیونی مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب، که علاوه بر شهرهای ایران، در نجف و کربلا انجام شد، به یک رویداد ژئوپلیتیک تبدیل شد. روزنامه «الاخبار» لبنان در این رابطه، به نقل از منابع سیاسی، فاش کرد که واشنگتن خشم شدید خود را از سازوکارها و ابعاد برگزاری این مراسم در عراق، با چنین شکوه بی سابقه ای، ابراز کرده است؛ چرا که دولت آمریکا پیام سیاسی و میدانی واضحی دریافت کرد، مبنی بر اینکه عراق همچنان مرکز نفوذ ایران است که دقیقاً با فشارهای آمریکا به نخست وزیر جدید در تضاد است. طبق این گزارش، تشییع میلیونی رهبر شهید انقلاب اسلامی این ایده را مطرح کرد که عراق تحت تأثیر گفتمان و تهدیدات آمریکایی قرار نگرفته است، زیرا فرماندهان و هواداران این محور با تمام توان خود به میدان آمدند. همچنین سی ان ان نوشته است که مراسم تشییع به شکلی سازمان دهی شد که بیشتر به یک رژه پیروزی شباهت داشت؛ رژه ای که از سه شهر ایران و دو مکان مقدس در عراق عبور می کرد تا ثابت کند که «این مرد، حتی در مرگ نیز نبرد را نباخته است.» این شبکه نوشت که رهبر ایران، بعد از ترور، از نظر نمادین بسیار قدرتمندتر از زمان حیاتش شد.
آنچه در خیابان های ایران، نجف و کربلا رقم خورد، به نمایش سرمایه اجتماعی و ژئوپلیتیکی محور مقاومت تبدیل شد. حساسیت واشنگتن نیز از همین واقعیت ناشی می شود؛ اینکه برخلاف انتظار، ترور نه به فروپاشی این محور، بلکه به تقویت نمادین و سیاسی آن انجامید.